

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توکونی، مسودس

ترجمہ و شرح

فریدہ فرنودفر

برای پدر و مادرم
به پاس وجود زلال پر مهرشان

آسمگاه که ایزدان هنوز انسانی تر بودند
انسان ها ایزدوار تر بودند (شیر)

فهرست مطالب

۱	گفتاری دربارهٔ تنوگونی
۳۵	تنوگونی
۱۲۷	سرآغازهای فلسفهٔ یونان در تنوگونی هسیودس
۱۵۳	کتاب‌شناسی
۱۵۷	نمایه

سخن مترجم

گشودن معمای «سرآغازها» کاری است بس پیچیده، با این حال هرگونه کوشش نظری در این زمینه، در نفس خویش ارزشمند است. پرسش از «سرآغازهای فلسفه» نیز یکی از اینگونه معماهاست. البته شاید در نگاه نخست، پرسش بنیادینِ "فلسفه از کجا آغاز می‌شود؟" کمی پیش‌پا افتاده به نظر برسد و فردی را که از روی نوشته‌های ارسطو، تاریخ اندیشه را برگرفته است، بی‌درنگ به پرسش از «نخستین فیلسوف» منتقل کند، چرا که ارسطو از پیش پاسخی برای این پرسش دارد: "فلسفه در سدهٔ ششم پیش از میلاد در منطقه‌ای به نام میلئوس با شخصی به نام طالس آغاز شده است". این عبارت همان جملهٔ تکراری غالب کتب تاریخ فلسفه است که ناخواسته اندیشهٔ فلسفی را به بن‌بست می‌کشانند. در حالیکه پرسش از سرآغازهای فلسفه نه متوجه نخستین فیلسوف، بلکه متوجه امری به مراتب عمیق‌تر، بنیادی‌تر و پیچیده‌تر است.

اگر مطابق نظر افلاطون، فلسفه حاکی از تلاش‌های اندیشهٔ آدمی برای آرام کردن انفعال ناشی از تحیر او در برابر شگفتی‌های جهانی باشد، که در آن فروافکنده شده است، بنابراین بررسی تاریخ فلسفه را لزوماً نه از طالس و آناکسیماندرس، بلکه باید از همان زمان‌هایی آغاز کرد که نشانه‌ای از پرسش و تحیر در دست است، یعنی از «سرآغازهایی» که مهم‌ترین نظام تفکر انسانی در آن در حال شکل‌گیری است. به‌دیگر سخن، تاریخ تحیر انسان و طرح پرسش‌های بنیادینِ "جهان چگونه پدید آمده است؟"، "خدایان چه هستند؟" و "نسبت خدایان با انسان چیست؟" به زمان‌هایی بسیار دورتر از

طالس بازمی‌گردد. اشعارِ دورهٔ آرخایی یونان و حتی پیش‌تر از آن، اشعار حماسی گیلگمش و *انوما الیش* گزارشی از این درگیری ذهن‌اندیشنده است، که همواره و در هر زمان و مکانی که زیسته، تفکر دربارهٔ جهان پیرامون خویش را با «حیرت» آغاز کرده است. ارسطو نیز مبدأ اندیشهٔ فلسفی را با نخستین نشانه‌های بروز تحیر در ذهن انسان متحیر نسبت به جهان پیرامونش گره زده است. او در کتاب *مابعدالطبیعه* با فراروی از افلاطون، که مبدأ حقیقی تفکر را «حیرت» آدمی می‌دانست، بر این نکته تأکید می‌کند که "حتی دوستدار اسطوره هم به یک معنا فیلسوف است؛ زیرا اسطوره نیز از چیزهای شگفت‌انگیز برهم نهاده می‌شود"^۱.

به این ترتیب در بررسی تاریخی تطور اندیشه نباید از این نکته غافل ماند که پیش از طالس، آناکسیماندرس و آناکسیمنس نیز پرسش‌های بنیادینی در خصوص آغاز و پیدایش عالم مطرح شده بود؛ چنانکه افلاطون به تلویح و ارسطو با صراحت بر این مسئله تأکید داشته‌اند. به گفتهٔ ارسطو، پرسش‌های مطرح‌شده از سوی پیش‌سقراطیان، که او از آن‌ها با نام "نخستین فیلسوفان" (oi (prw=toi filosofh/santej)^۲ (طالس و سایرین) یاد می‌کند، همان پرسش‌هایی هستند که ردّ پای آن‌ها را می‌توان نزد "نخستین ایزدشناسان" (qeologh/santej oi (prw=toi)^۳ (هُمرس و هسیودس) یافت؛ زیرا بر همگان روشن است که موضوعاتی نظیر فلسفه، هنر و علم، موضوعاتی نبوده‌اند که به یکباره، و آن‌هم فقط در یک منطقهٔ خاص جغرافیایی، از آسمان به زمین فرود آمده باشند، بلکه

۱- ارسطو: *مابعدالطبیعه*، ۹۸۲ ب ۱۸ به بعد.

۲- همان، ۹۸۲ ب ۱۱.

۳- همان، ۹۸۳ ب ۲۸.

سرگذشتی از جریان اندیشه‌اند، که از مدت‌ها پیش، بستر آن نه تنها در یونان بلکه بسیار پیش‌تر از آن در مشرق زمین مهیا شده و در ابتدای امر به اشکال و صورت‌های مختلفی چون جادو، اسطوره، شعر و نظایر آن بازتاب یافته است، تا اینکه سرانجام آشکار شده و این آشکار شدن و به‌بیان درآمدن، همان چیزی است که ما امروز از آن به «آغاز فلسفه» تعبیر می‌کنیم.^۱

از این‌رو، هر کس که به‌عنوان مثال مفاهیم «آپیرن» در آناکسیماندرس و «تضادها» در هراکلیتس را درک کرده و متوجه این سطح از انتزاع در اندیشه آن‌ها شده باشد، بدون شک این پرسش برایش مطرح می‌شود که چه بسترهایی، خواه در مشرق زمین^۲ و یا مغرب‌زمین، از پیش فراهم شده بود تا در نهایت به‌ظهور این مفاهیم نزد طالس، آناکسیماندرس و دیگر پیشگامان اندیشه فلسفی یونانی انجامیده و این اندیشه توانسته است تا به این حد از شکوفایی برسد. برای تأیید درستی این نظر می‌توان گامی هر چند اندک به عقب برداشت و در جست‌وجوی کسی بود که با نحوه نگرش خود به عالم و تبیینی که از آن ارائه می‌دهد، برای مدت‌ها حضور مؤثرش را در جهت‌گیری اندیشه پیشگامان فلسفه حفظ و موضوعات پژوهش را از پیش برای ایشان تعیین کرده است.

در اندیشه یونان باستان، کسی که به‌طور قطع چنین نقشی را ایفا کرده، «هسیودس» است. ظاهراً برای نخستین‌بار در اندیشه‌های اوست که با نوعی بحران و به‌تبع

1- Schadewaldt: (1978), S. 17.

۲- تأثیرگذاری اندیشه‌های مشرق‌زمین بر سرآغازهای اندیشه یونان بر هیچ کس پوشیده نیست؛ برای مطالعه در این زمینه بنگرید کتاب ارزشمند:

M. L. West: *Early Greek Philosophy and the Orient*, 2002 (Oxford).

آن عصیان در برابر افکار و اندیشه‌های رایج روزگار خودش روبه‌رو هستیم؛ همین عصیان و سنت‌شکنی اوست که راه جدیدی را به جانب تأملات فرااسطوره‌ای و آنچه ما اساساً «حیرت فلسفی» می‌نامیم، می‌گشاید.

به‌منظور آشنایی هرچه بیشتر با ریشه‌ها و پیش‌زمینه‌های فکری اندیشه یونان باستان باید به سراغ آثار به‌جای مانده از هسیودس، به‌ویژه منظومهٔ *تئوگونی* (*پیدایش خدا/یان*) رفت. زیرا نخست، ادعای ورنر یگر آنجا که می‌گوید: "دلیلی وجود ندارد تا *تئوگونی* هسیودس را مرحلهٔ آغازین برای فلسفه‌ای ندانیم که به زودی پیدا خواهد شد، چرا که تاریخ هر شکی را دربارهٔ این موضوع، با آشکار ساختن تأثیرگذاری اندیشه‌های هسیودس برطرف ساخته"، سخن بجایی است و شواهد زیادی بر این گفته در دست است؛ دوم این‌که، ساختار و محتوای منظومهٔ *تئوگونی* به‌خاطر گزینش شعر تعلیمی-حماسی به‌جای شعر حماسی صرف از جانب هسیودس، تلاش او برای ارائهٔ یک تبارشناسی منسجم و نظام‌مند از درون انبوهی از ایزدان، به‌همراه توجیه و تبیین علی-عقلانی و پرداختن به موضوعاتی نظیر حقیقت، شناخت، *پیدایش*، *زایش*، پرسش دربارهٔ مبدأ عالم، تقدیر و عدالت در آن موجب شده است که این منظومه از اهمیت تحقیقی بالایی برخوردار باشد.

با اینکه در نوشته‌های تاریخی کسانی همچون هرودتس و نویسندگان ادبی به‌ندرت از هسیودس - شاید به خاطر محتوای صرفاً دینی منظومهٔ *تئوگونی* و یا شاید به این دلیل که اشعار او همانند نوشته‌های هُمرس شامل حکایات متنوع اجتماعی و اخلاقی

نیست - نامی به میان می‌آید^۱، اما این منظومه در نوشته‌های فلسفی مورد توجه بسیار قرار گرفته است. تئوگونی هسیودس شاید نخستین و بهترین سندی باشد که می‌تواند در فهم این که یونانیان باستان دربارهٔ آغاز و پیدایش عالم چگونه می‌اندیشیدند، به ما یاری برساند. پرسش‌های مقدری را که تئوگونی در خصوص آرچه و مبدأ پیدایش پاسخ می‌دهد، نه فقط رئوس موضوعات اساسی یزدان‌شناسان و طبیعت‌شناسان حوزهٔ میلتوس، جنوب ایتالیا و سرزمین اصلی یونان را در تحقیقاتشان تعیین و مشخص می‌کند، بلکه در ترسیم طرق دستیابی به موضوع و نتایج تحقیق، تأثیرات بارز و انکارناپذیری دارد.

نگارنده با در نظر داشتن مجموعهٔ این نکات، ترجمهٔ منظومهٔ تئوگونی را به انجام رسانیده و در کنار آن برای فهم دشواری‌ها و نکات مندرج در ابیات، تحقیقی در خصوص فضای فکری هسیودس، سنت شعری او، سنت تئوگونی‌نویسی در یونان و همچنین ساختار و محتوای تئوگونی هسیودس انجام داده که به سبب مقدماتی بودن و همچنین روشنگر بودن مباحث این تحقیق، در کتاب حاضر پیش از متن ترجمهٔ منظومه آمده است. به علاوه، در تحقیقی جداگانه سعی شده به تئوگونی از منظری فلسفی نگریسته شود، تا از این رهگذر بتوان به جست‌وجوی سرآغازهای اندیشهٔ فلسفی در منظومهٔ مورد نظر پرداخت. امید است که ترجمه و تحقیق حاضر برای پژوهشگران پیشینهٔ پرسش‌های فلسفی، سودمند باشد.

۱- به رغم آنکه قریب به پنجاه سال است که از انتشار ترجمهٔ فارسی منظومه‌های *یلیاد* و *ادیسه* هم‌رس می‌گذرد و در طی چند سال اخیر نیز ترجمه‌ها جدیدی از آن‌ها به بازار آمده، اما تا به امروز ترجمهٔ فارسی کامل و مستقلی از دو منظومهٔ تئوگونی و *کارها و روزها*، ارائه نشده است.

بنای کار در ترجمهٔ تئوگونی دو ترجمهٔ انگلیسی ر. کالدول و م. ل. وست:

- Caldwell, Richard S.: (1987), *Hesiod's Theogony*, Translated, With Introduction, Commentary, and Interpretive Essay (U.S.A.: Focus Information Groups/Cambridge)

- West M. L.: (1999) & (1966), Hesiod, *Theogony*, Edited with prolegomena and commentary, (Oxford, Clarendon Press)

بوده است. البته همزمان با این دو، ترجمهٔ آلمانی اُتو شونبرگر و دیگر ترجمه‌های انگلیسی موجود از جمله ترجمه‌های دُرثا وِندر، ه. گ. اُولین - وایت و نُرمان اُ. براون نیز پیش چشم بودند. در مواردی که میان ترجمه‌های مذکور اختلاف فاحشی وجود داشت، به متن یونانی تئوگونی، نسخهٔ Hesiodi Carmina، ویرایش آلیسیوس ژاخ (Aloisius Rzach)، (شتوتگارت: تُبِنِر، سال ۱۹۵۸) مراجعه شده است.

در متن ترجمه علامت [] بیانگر افزوده‌های مترجم انگلیسی (کالدول) و علامت [- م.] بیانگر افزوده‌های مترجم فارسی به منظور تکمیل معنای عبارت است. شمارگان سمت چپ نیز اشاره به سطورِ ابیات یونانی دارد. در زیرنویس‌های ابیات عمدتاً از تفاسیر کالدول، وست و شونبرگر استفاده شده است.

از آنجا که تئوگونی، اثری منظوم است که بالغ بر ۲۷۰۰ سال از تاریخ آن می‌گذرد، سعی شده در ترجمهٔ فارسی تا حد امکان آهنگین بودن ابیات حفظ شود؛ تقطیع ابیات بر اساس تقطیع ترجمهٔ انگلیسی کالدول صورت گرفته، که البته در موارد معدودی به اقتضای ترجمه، جای ابیات عوض شده است.

در ابتدا سعی بر آن بود تا اسامی خدایان و مکان‌ها براساس تلفظ دقیق یونانی آن‌ها بازنویسی شود، اما به دلیل آرای متفاوت و گاه متناقضی که در نحوهٔ تلفظِ الفبا (و اغلب مصوت‌های مرکب) زبان یونانی باستان وجود دارد، در نهایت تصمیم بر آن شد

تا برای سهولت در خواندن و یکدست شدن متن، اسامی خدایان براساس تلفظ آلمانی‌شان بازنویسی شود، مگر در موارد اندکی که تلفظ لاتینی اسمی در زبان فارسی، معمول و رایج شده است (نظیر زئوس، نرئوس، پرسئوس ...).

دو حرف یونانی اُمِگا (W/w) و اُمیکرُن (O/o) به صورت ^۱ (برای مثال Apo/Iwn) :آپُلُن)، حرف تِتا (J) Q/q به صورت ث (مثل Qe/mij : ثمیس) و حرف پایانی اِتا (h) به صورت‌های ه، ه یا ه (به‌طور مثال AJh/nh : آثنه و Teryixo/rh : تَرسِیخُره) بازنویسی شده است.

اسامی خدایان و مکان‌هایی که در متن به‌صورت پررنگ (Bold) آمده است، در پایان کتاب (بخش نمایه) به‌همراه توضیح مختصری، آن‌هم غالباً متناسب با آنچه که در تئوگونی به آن اشاره شده است، تکرار می‌شوند.

در ترجمه عنوان منظومه نیز نام یونانی آن، یعنی «تئوگونی» به‌سبب معمول و موجزتر بودنش حفظ شده است.

نگارنده در پایان بر خود فرض می‌داند که به حکم اخلاق از استادانی که به‌نوعی در به‌ثمر رسیدن این کار یاری کرده‌اند، نهایت سپاسگزاری را به‌عمل آورد:

از جناب آقای دکتر سید محمدرضا حسینی بهشتی به‌خاطر راهنمایی‌هایشان در ترجمه از روی متن آلمانی تئوگونی و همچنین به‌خاطر رهنمودهای مفیدی که در طول کار یادآور شدند و بر غنای کار افزودند.

از جناب آقای مهدی میرزازاده که با نظرات ارزنده و دقت‌نظرشان در ترجمه از روی متن انگلیسی تئوگونی، در فصیح و روان‌تر شدن متن فارسی کمک شایانی کردند.

از جناب آقای علی اکبر رنجبر کرمانی که زحمت تسجیع قریب به نیمی از ابیات را تقبل فرمودند.

از سرکار بانو دکتر ژاله آموزگار که این اوراق را پیش از چاپ مطالعه کرده و نکات گرانقدری را یادآور شدند.

و سرانجام از ریاست محترم انتشارات دانشگاه تهران، جناب آقای دکتر سید حمید طالبزاده که زمینه چاپ این اثر را فراهم آوردند.

امر ترجمه کاری است دشوار و خطیر. طبیعی است که این ترجمه نمی تواند خالی از نقص و کاستی باشد. امید آن که با انتقادات و راهنمایی های خوانندگان این امکان فراهم آید تا در چاپ های آتی، متنی دقیق تر و صحیح تر ارائه شود.

زمستان ۱۳۸۶

